

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۱۸۶۵



پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی  
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی  
دانشگاه شهید بهشتی

**برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد**

در رشته روابط بین الملل

موضوع:

**«انقلابات رنگین در آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر  
آن بر جمهوری اسلامی ایران»**

توسط:

جهانبخش مرادی

استاد راهنما:

دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی

استاد مشاور:

دکتر محمود سریع القلم

اسفند ۱۳۸۵

۹۸۵۴۵

کتابخانه اسناد و کتابخانه مرکزی  
دانشگاه شهید بهشتی

۲۵ / ۱۲ / ۱۳۸۶

تقدیم به:

پدر و مادرم

به همسر و فرزندم

و به همه‌ی جویندگان حق و حقیقت

## برگ تأییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: «انقلابات رنگین در آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر آن بر

جمهوری اسلامی ایران»

نام دانشجو: جهانبخش مرادی

دوره: کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

این پایان نامه در جلسه‌ی ۸۵/۱۲/۷ و با نمره‌ی ۱۸ و درجه‌ی عالی مورد

تأیید اعضای کمیته‌ی پایان نامه، متشکل از استادان زیر قرار گرفت:

دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی	استاد راهنما:	امضا
دکتر محمود سریع القلم	استاد مشاور:	امضا
دکتر محمد رضا تاجیک	استاد داور:	امضا

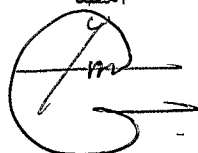
دانشکده علوم انسانی و سیاسی  
کد (۷۵۰)

## اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله‌ی زمانی بهمن ماه ۱۳۸۴ تا اسفندماه ۱۳۸۵ به انجام رسیده، به استثنای کمک‌های مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

جهانبخش مرادی

اسفندماه ۱۳۸۵

امضا  


## سپاسگزاری

با امتنان از خداوند بزرگ که در گردآوری و نگارش این پایان نامه - که با وجود مشکلاتم راهی صعب و دشوار بود - یاریم کرده و آن را پیمودنی نمود.

از استاد ارجمند آقای دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی که راهنمایی این پایان نامه را تقبل کرده و برای رفع نارسایی های آن و هرچه پربارتر کردن آن، مرا مورد لطف خود قرار دادند، تشکر می نمایم.

از استاد مشاور و گرامی آقای دکتر محمود سریع القلم مراتب قدردانیم را اظهار می دارم چرا که نکات اساسی و قابل تأملی از ایشان آموختم که نه فقط در این اثر بلکه رهنمودی برای زندگی گردید.

همچنین از استاد محترم آقای محمدرضا تاجیک تشکر می کنم که داوری این پایان نامه را عهده دار بودند و برای اصلاح کار نکات مفیدی را متذکر گردیدند.

از آقای دکتر قدرت... احمدیان استاد دوره ی کارشناسی خود و همچنین آقای فرهاد دانش نیا، دوست خود و دانشجوی دوره ی دکترای تخصصی روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی که در ارائه این اثر مرا یاری نمودند تشکر می نمایم.

همچنین از سرکار خانم مرنندی، دبیر محترم گروه علوم سیاسی دانشکده ی علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی که در تمام مراحل مختلف کار پایان نامه همواره به بنده لطف داشتند، سپاسگزارم.

چکیده:

**عنوان پایان نامه:** «انقلابات رنگین در آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی

ایران»

**نام دانشجو:** جهانبخش مرادی

**استاد راهنما:** دکتر امیرمحمد حاجی‌یوسفی

**دوره:** کارشناسی ارشد رشته‌ی روابط بین‌الملل دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

**تاریخ ارائه پایان نامه:** اسفندماه ۱۳۸۵

در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم جهان شاهد وقوع یکسری انقلاب‌های آرام و بدون خونریزی در تعدادی از کشورهای پسا کمونیستی آسیای مرکزی و قفقاز و سرنگونی حکومت‌های آنها بود. این انقلاب‌ها که به انقلاب‌های مخملی یا رنگی معروفند از جمله پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مورد توجه محافل علمی و سیاسی برای تغییر الگوهای رفتاری نظام‌های سیاسی و ایجاد و تقویت فرایندهای دموکراتیک هستند که در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان به وقوع پیوسته و حکومت‌های موجود را سرنگون کرده‌اند. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و موفقیت این انقلاب‌ها چیست؟، این انقلاب‌ها چه پیامدهایی برای سایر کشورهای منطقه دارد؟ و آیا انقلاب‌های رنگی شکل گرفته در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، برای جمهوری اسلامی ایران پیامد امنیتی دارد؟ سؤال اصلی و سؤالات فرعی این پژوهش هستند. در

این جا با تشریح تحولات سه کشور گرجستان، اوکراین و قرقیزستان بر آن هستیم که ضمن بر شمردن ویژگی‌های مشترک انقلاب‌های رنگی در کشورهای مزبور، نظام سیاسی و اقتصادی این کشورها را مورد بررسی قرار داده و علل شکل‌گیری و موفقیت این انقلاب‌ها را بیان نماییم و همچنین نقش دخالت خارجی را در قالب تقویت اراده مخالفان برای مقاومت و تضعیف اراده حکومت برای توسل به زور و نقش فشارها داخلی را در قالب بحران مشروعیت بر آمده از ناکارآمدی این حکومت‌ها مورد بررسی قرار دهیم.



## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	کلیات.....
۲.....	۱- طرح مسأله.....
۳.....	۲- سؤال اصلی و سؤالات فرعی تحقیق.....
۴.....	۳- مفروض(ها).....
۴.....	۴- فرضیه(ها).....
۵.....	۵- سابقه تحقیق.....
۸.....	۶- مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق.....
۱۰.....	۷- روش تحقیق.....
۱۰.....	۸- سازماندهی تحقیق.....
۱۲.....	فصل اول: پیشینه تاریخی.....
۱۳.....	ویژگی‌های کلی و اهمیت منطقه قفقاز.....
۱۸.....	تاریخ سیاسی و اجتماعی.....
۱۸.....	الف) قبل از اتحاد شوروی.....
۱۹.....	۱- پیش از اسلام.....
۲۱.....	۲- دوران اسلامی.....
۲۲.....	ب) دوران اتحاد شوروی.....
۲۳.....	۱- انقلاب اکتبر و قیام باسماچی.....
۲۵.....	۲- تحکیم سلطه کمونیسم.....

۲۷	۳- شکل گیری جمهوری‌های جدید
۲۹	۴- کودتای اوت ۱۹۹۱ و اعلان پایان دوران کمونیسم
۳۲	مبحث سوم: پیشینه تاریخی تحولات در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان
۳۲	الف) پیشینه تاریخی تحولات گرجستان
۳۴	ب) پیشینه تاریخی تحولات اوکراین
۳۵	ج) پیشینه تاریخی تحولات قرقیزستان
۳۵	۱- از آغاز تا حاکمیت کمونیسم
۳۷	۲- حاکمیت شوروی سوسیالیستی
۳۷	۳- فروپاشی شوروی
۳۸	پیشینه انقلاب‌های مخملی
۴۲	فصل دوم: انقلاب گل سرخ در گرجستان
۴۳	مقدمه
۴۳	تحولات گرجستان و انقلاب رز
۴۶	عوامل داخلی مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب رز
۵۲	عوامل خارجی مؤثر در انقلاب رز
۶۲	فصل سوم: انقلاب نارنجی در اوکراین
۶۳	مقدمه
۶۴	تحولات اوکراین، و انقلاب نارنجی
۷۱	بسترها و زمینه‌های داخلی شکل‌گیری انقلاب نارنجی
۷۸	عوامل خارجی مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب نارنجی

فصل چهارم: انقلاب لاله‌ای در قرقیزستان.....	۸۷
مقدمه.....	۸۸
تحولات قرقیزستان و انقلاب لاله‌ای.....	۸۹
بسترهای و زمینه‌های داخلی شکل‌گیری انقلاب لاله‌ای.....	۹۱
عوامل خارجی مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب لاله‌ای.....	۹۶
فصل پنجم: مقایسه انقلاب رنگی در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان.....	۱۰۳
مقدمه.....	۱۰۴
عوامل داخلی تاثیرگذار بر انقلاب‌های مخملی.....	۱۰۶
عوامل خارجی تاثیرگذار بر انقلاب‌های مخملی.....	۱۱۲
فصل ششم: پیامدهای منطقه‌ای انقلاب‌های رنگی و تاثیر این انقلاب‌ها بر جمهوری اسلامی ایران.....	۱۲۰
مقدمه.....	۱۲۱
اهداف امریکا از حضور در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز.....	۱۲۲
معادلات منطقه و تاثیرگذاری آن بر جمهوری اسلامی ایران.....	۱۱۴
امکان سنجی انقلاب‌های رنگی در ایران.....	۱۳۱
نتیجه‌گیری.....	۱۴۲
منابع.....	۱۵۴

کلیات



## ۱) طرح مسأله (تعریف و اهمیت موضوع):

پس از فروپاشی شوروی سابق جمهوری‌های متعددی شکل گرفت. تعدادی از این جمهوری‌ها در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز قرار دارند. در سال‌های اخیر ما شاهد تحولات و دگرگونی‌هایی در این کشورها بوده‌ایم و یکسری اعتراضات و دگرگونی‌ها به نام انقلاب‌های مخملی یا رنگی در این کشورها روی داده است که این اعتراضات و دگرگونی‌ها، نگرانی‌هایی را برای سایر کشورهای منطقه به وجود آورده است و این کشورها را از پیامد این تحولات در کشورهای خود نگران کرده است چرا که همه‌ی این جمهوری‌های تازه استقلال یافته دارای رهبرانی هستند که در مکتب کمونیسم رشد و پرورش یافته‌اند و به نظر می‌رسد که نظام سیاسی و اقتصادی آنها مشابه باشد و مردمان این جمهوری‌ها نیز با توجه به اینکه در دوران اتحاد شوروی سابق در زیر یوغ حکومت اقتدارگرای شوروی بوده‌اند، دارای تمایلاتی مشابه در جهت نیل به نظام‌های دموکراتیک هستند. در نتیجه تغییر در ساختار قدرت در یکی از این جمهوری‌ها پیامدها و نگرانی‌هایی را برای سایر کشورها به دنبال دارد.

در این رابطه باید گفت برای ایران، به عنوان یکی از همسایه‌های عمده‌ی شوروی سابق تحولات جدید سرنوشت‌ساز بوده و باعث شکل‌گیری مرحله‌نوینی در سیاست خارجی این کشور شده است. در این مرحله، نه فقط ماهیت دول همسایه ایران دستخوش تغییر و تحول گردید، بلکه مفاهیم مربوط به بررسی روابط دو جانبه ایران با همسایگان شمالی نیز رنگ دگرگونی به خود گرفت. تا قبل از فروپاشی شوروی، روابط ایران و سپس جمهوری اسلامی ایران با منطقه شمال عمدتاً بر محور روابط نامتقارن قابل توضیح و تحلیل بود (Doran, 1994: 260 – 264). قدرت ایران به عنوان یک کشور جهان‌سومی با قدرت همسایه شمالی، یعنی اتحاد جماهیر شوروی سابق به عنوان یک ابرقدرت برابری نداشت. این عدم برابری و حالت نامتقارن از نظر شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها کلاسیک قدرت به نفع همسایه شمالی بود. فروپاشی شوروی به این

مفهوم، هم در عرصه تجزیه و تحلیل‌های تئوریک و هم از نظر عملی - سیاسی نقش و سرنوشت جدید را برای ایران در عرصه مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی رقم زده است.

حال از آنجا که مجموعه‌ی جمهوری‌های دو سوی دریای خزر دارای پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی با ایران بوده و مرز کشور ما با جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی سابق در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بسیار طولانی است، اهمیت شناخت این منطقه را به خوبی مشخص می‌سازد. در این ارتباط باید گفت که تا قبل از فروپاشی شوروی سابق حضور ابرقدرتی چون شوروی یکسری تهدیدات را برای ما ایجاد کرده بود و اگرچه با فروپاشی شوروی این تهدیدات از میان رفتند، اما حضور جمهوری‌هایی با بی‌ثباتی داخلی و جنگ‌های ناشی از مسایل ارضی و مرزی و همچنین هویتی و قومی یکسری تهدیدات جدید را ایجاد کرده است که بعضاً از تهدیدات قبلی و سنتی خطرآفرین‌تر هستند.

با توجه به موارد و مسایل ذکر شده باید دید که این انقلاب‌ها که با نام انقلاب‌های مخملی یا رنگی نامیده می‌شوند اولاً چه ماهیتی دارند؟ ثانیاً: ضرورتها و الزامات ساختاری نظام بین‌المللی چه تأثیری بر شکل‌گیری این انقلاب‌ها داشته است؟ و در آخر هم با توجه به حضور غرب یعنی اروپا و به ویژه آمریکا در منطقه، این امر چه تأثیری بر تحولات و توزیع قدرت در منطقه و سپس بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

## ۲ - سؤال اصلی و سؤالات فرعی تحقیق:

سؤال اصلی: عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز چیست؟

سؤالات فرعی:

الف: انقلاب‌های رنگی چه پیامدهایی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز داشته است؟

ب: مهم‌ترین پیامدهای امنیتی انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز برای جمهوری اسلامی

ایران چیست؟

### ۳ - مفروض (ها):

الف: جهانی شدن با بالا بردن آگاهی توده‌ها، منابع مشروعیت رژیم‌های آسیای مرکزی و قفقاز را با

چالش مواجه نموده است.

ب: انقلاب‌های رنگی در صدد دستیابی به نظام‌های دمکراتیک هستند.

ج: امریکا توسعه سیاسی و ایجاد نظام‌های دمکراتیک در منطقه را در راستای منافع خود قلمداد

می‌کند.

د: ویژگی‌های نظام رهبری در این کشورها به گونه‌ای است که مانع از تحولات مؤثر سیاسی در آنها

شده است.

### ۴ - فرضیه (ها):

فرضیه اصلی: فشارهای ساختاری ناشی از نظام بین‌المللی در قالب برنامه تغییرات داخلی در

آسیای مرکزی و قفقاز، به ویژه تشویق دمکراسی‌سازی از سوی کشورهای غربی یعنی اروپا و به خصوص

آمریکا، مهمترین عامل در شکل‌گیری انقلاب‌های رنگی بوده است.

### فرضیه‌های فرعی:

الف: مهم‌ترین پیامدهای منطقه‌ای این تحولات، اتخاذ سیاست‌های عمل‌گرایانه‌تر در دادن

آزادی‌های سیاسی به نیروهای مخالف و همچنین تقویت نظام‌های امنیت منطقه‌ای که سازمان همکاری

شانگهای نمود بارز آن است، می‌باشد.

ب) مهمترین پیامد این انقلاب‌ها برای جمهوری اسلامی ایران این است که نزدیکی و تسلط غرب یعنی اروپا و به ویژه امریکا بر منطقه موجبات تهدید امنیت و منافع ملی برای جمهوری اسلامی ایران گشته و باعث تکمیل محاصره جمهوری اسلامی ایران توسط نیروهای نظامی و اطلاعاتی امریکا می‌گردد.

## ۵) سابقه تحقیق:

در این قسمت به برخی از مهم‌ترین منابعی که به مطالعه‌ی تحولات موسوم به انقلاب‌های رنگی در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان پرداخته‌اند، می‌پردازیم. یکی از این منابع کتاب افسانه انقلاب‌های رنگی است که به کوشش خانم دکتر الهه کولایی استاد دانشگاه تهران گردآوری شده است. در فصل اول این کتاب و در بخش اول به ریشه‌های دگرگونی در گرجستان پرداخته شده و عوامل داخلی و خارجی دور و نزدیک مؤثر بر این تحول را مورد امعان نظر قرار داده است اما به نظام سیاسی و اقتصادی دو رگه کمونیستی و لیبرالی و همچنین به نقش تشکل‌های مدنی و دانشجویی توجه نکرده است. در بخش دوم نیز بیشتر به مسائل تمامیت ارضی و بحران‌های جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی پرداخته شده که تا حد زیادی از بحث ما خارج است. در فصل دوم نیز به عوامل داخلی و خارجی نزدیک و دور مؤثر بر انقلاب نارنجی اوکراین توجه کرده است که این عوامل بیشتر به صورت تیتروار ذکر گردیده و به مسائلی از قبیل جنگ روانی، تقلب گسترده و میلیونی، گروه‌های مافیایی تروریستی و مسائلی از این دست پرداخته که با مباحث مطرح شده در این جا تجانس کمی دارند. در بخش دوم این فصل نیز به جدایی اوکراین از روسیه و چالش‌های پس از آن پرداخته است که در تحقیق ما هدف از مجموعه‌ی مباحث مطرح شده بررسی تحولات منجر به این دگرگونی‌ها بوده و مباحث بعد از انقلاب کمتر مورد بحث هستند و از این بُعد با تحقیق ما سازگاری ندارند. در فصل سوم ابتدا در بخش اول به تحولات قرقیزستان و انقلاب لاله‌ای پرداخته است و برخی از مباحثی که در این پایان نامه در قسمت مربوط به تحولات قرقیزستان ذکر گردیده‌اند در این باره می‌باشد. اما تنها بحران جانشینی را چارچوبی



تحلیلی برای شکل‌گیری این انقلاب دانسته و به مسائل خارجی به اندازه‌ی کافی توجه نکرده است. در بخش بعدی این فصل نیز به مشکلات اقتصادی، ضعف نظام قضایی، نقش عوامل فرهنگی و اسلام‌گرایی در قرقیزستان پرداخته و از این رو با چارچوب مطرح شده در تحقیق پیش‌رو ارتباط کمی دارد و تنها از بُعد برخی مشکلات اقتصادی و فساد در نظام اقتصادی تا حدی مباحث مطرح شده با این تحقیق تجانس دارند. در فصل آخر نیز پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی این تحولات را افزایش دخالت امریکا و اروپا در امور جمهوری‌های سابق شوروی و مصمم کردن این بازیگران فرا منطقه‌ای به پشتیبانی از تکرار چنین تحولاتی در سایر کشورهای منطقه نموده است. پیامد منطقه‌ای تحولات را نیز کاهش تمایل برای دادن آزادی‌های سیاسی به احزاب مخالف دانسته است که تا اندازه‌ای این پیامدها را آن طور که هست به خوبی بیان نموده است.

فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز در شماره ۴۹ خود بیشتر مقالاتی را که به چاپ رسانده است در مورد انقلاب‌های رنگی است. در اینجا هم آنچه که مورد توجه قرار گرفته سیر حوادث منجر به این تحولات و برخی از عوامل داخلی تأثیرگذار بر این تحولات است. بنابراین از آنجا که به عوامل خارجی که یکی از پایه‌های اصلی تحقیق پیش‌روست خیلی کم توجه شده و همچنین نقش برخی عوامل داخلی را مثل نسل جدید این کشورها، جنبش‌های مدنی و وحدت و انسجام نیروهای مخالف را برجسته نساخته با تحقیق ما تفاوت دارد.

فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز در شماره ۵۱ خود نیز بیشتر مقالاتی را که به چاپ رسانده است در مورد انقلاب‌های رنگی است اما در هرکدام از این مقالات به اقتضای دیدگاه نویسنده برخی عوامل برجسته تشخیص داده شده‌اند و همه‌ی عوامل داخلی مؤثر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند همچنین در اکثر آنها غیر از مقاله‌ی آقای حسن عسگری که به نقش بازیگران خارجی در این انقلاب‌ها پرداخته و مقاله‌ی آقای علیرضا

کسایی که این تحولات را نوعی بازی بزرگ بین قدرت‌های بزرگ می‌داند به نقش عوامل خارجی پرداخته نشده است و یا این که نقش آنها را خیلی کم دانسته‌اند.

البته لازم به ذکر است فصلنامه ۴۸ آسیای مرکزی و قفقاز نیز دو مقاله‌ی خود را به بحث در این مورد اختصاص داده که در یکی از آنها آقای حسن عسگری بیشتر به سناریوهای حل بحران ارضی در گرجستان پرداخته و در دیگری نیز آقای کمال زارعی کیایی بیشتر به تقابل راهبردها در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین پرداخته است.

ضمیمه دیپلماتیک همشهری در ۱۴ آبان ۱۳۸۴ بحث هفته خود را به انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز اختصاص داده است. این شماره ۱۲ مقاله دارد که مقالات آن با توجه به اینکه توسط صاحب‌نظران منطقه آسیای مرکزی و قفقاز همچون آقای دکتر سیدرسول موسوی، آقای دکتر بهرام امیراحمدیان، آقای دکتر جهانگیر کرمی و خانم دکتر الهه کولایی به رشته تحریر و نگارش درآمده‌اند، درخور توجه هستند. در این شماره به تحولات در سه کشور گرجستان، اوکراین و قرقیزستان، دیدگاه‌های منطقه‌ای درباره‌ی تحولات، تأثیر این انقلاب‌ها بر معادلات و امنیت منطقه‌ای و نقش ساختارهای موجود در شکل‌گیری این انقلاب‌ها پرداخته شده است.

آقای محمود یزدان‌فام در گزارش پژوهشی که در شهریور ۱۳۸۴ توسط پژوهشکده مطالعات راهبردی انتشار یافت، تحت عنوان «الگوهای تغییر رژیم؛ نگاهی به الگوی انقلاب‌های منخملی» ضمن بررسی چگونگی تحولات در کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان به علل و عوامل مؤثر بر بروز این انقلاب‌ها پرداخته و در این زمینه به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین عوامل خارجی اشاره داشته اما با این وجود عوامل داخلی را مهمتر دانسته است. همچنین کتب، مقالات و گزارش‌های متعدد دیگر به زبان‌های فارسی و لاتین در این زمینه به رشته تحریر و نگارش درآمده است که از آنها به نحو شایانی استفاده شده است.

تقریباً در همه پژوهش‌های صورت گرفته درباره‌ی انقلاب‌های رنگی عوامل داخلی به عنوان عامل اصلی این انقلاب‌ها در نظر گرفته شده‌اند و عوامل خارجی، نقش حاشیه‌ای و جانبی را در شکل‌گیری این انقلاب‌ها، از منظر این پژوهش‌ها داشته است. نوآوری پژوهش حاضر در این است که عوامل خارجی را به عنوان عامل مهم‌تر و اصلی در وقوع این انقلاب‌ها معرفی می‌نماید و عوامل داخلی را به عنوان عوامل ثابتی در نظر گرفته است که در همه‌ی جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز وجود دارند و تنها با وجود دخالت خارجی است که این انقلاب‌ها به پیروزی می‌رسند.

## ۶ - مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق:

### مفاهیم تحقیق:

#### الف: انقلاب‌های مخملی یا رنگی

انقلاب‌های مخملی یا رنگی<sup>۱</sup> نامی است که به طور گروهی به دسته‌ای از تحولات مربوط به هم، اطلاق شده است که در بسیاری از کشورهای بلوک شوروی سابق به وقوع پیوسته است. وجه مشترک تمام این حرکات مبارزاتی منفی هستند که عمدتاً بر ضد حکومت‌هایی که خود را دیکتاتور و [اقتدارگرا] نشان داده‌اند، به کار گرفته می‌شوند. مخالفین به طور کلی از دموکراسی و آزادی دفاع کرده‌اند. در تمام حالات یک رنگ یا گل خاص به عنوان نماد مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون به خوبی ثابت شده است که سازمان‌های غیردولتی نقش بسیار مهمی در این انقلاب‌ها بازی کرده‌اند. در تمام حالات، اکثریت شرکت‌کنندگان را جوانان و سازمان‌های دانش‌آموزی در کنار سایر شهروندان تشکیل می‌داده‌اند. (ساجدوا، ۱۳۸۴: ۱۱).

در واقع، انقلاب‌های رنگی که از گرجستان آغاز شد و در اوکراین و قرقیزستان نیز تکرار شد، نمادی است از مقاومت‌های نظام‌های تمرکزگرای بازمانده از دوران کمونیسم که حاملان فرهنگ سیاسی اقتدارگرا در

<sup>۱</sup> - Velvet or Colour Revolution

سراسر جمهوری‌های سابق شوروی می‌باشند. در شرایطی که امریکا ریشه‌های دموکراسی و تروریسم را به هم مرتبط ساخته، برای مقابله با تروریسم در جهان گسترش دموکراسی را ضروری کرده است. روند تحولات در این جمهوری‌ها به شدت تحت تأثیر فرایندهای جهانی قرار گرفته است. دگرگونی اجتماعی برای تحقق دموکراسی فرایندی چند وجهی است که زیربنای آن نیازمند برنامه‌ریزی‌های وسیع و همه‌جانبه است ولی در این کشورها همانند همه کشورهای در حال توسعه جهان، قدرت سیاسی هدف قرار گرفته تا نظامهای دموکراتیک استقرار یابند. (کولایی، ۱۳۸۴: ۶).

### ب: دموکراسی

تعریف لیپست از دموکراسی<sup>۱</sup> چنین است: «نظامی سیاسی که فرصت‌های قانونی منظم و دوره‌ای را برای تعویض دولتیان در اختیار می‌گذارد، مکانیسمی است که اجازه می‌دهد بیشترین شمار افراد جمعیت از طریق گزینش داوطلبان سیاسی در امر تصمیم‌گیری‌های عمده تأثیر بگذارند.»

### ج: اقتدارگرایی

اقتدارگرایی<sup>۲</sup> برای توصیف حکومت‌هایی به کار می‌رود که به اصلاح دموکراتیک نیستند و کم و بیش جنبه استبدادی و دیکتاتوری دارند (گزارش پژوهشی، ۱۳۸۴: ۱۴ - ۱۳). در نظام‌های اقتدارگرا، فضای حکومتی توتالیتر و تمرکزگراست و زمینه‌های لازم برای تحرک جامعه مدنی وجود ندارد و مطبوعات، رسانه‌ها، تسلیحات، ارتباطات و اطلاعات در انحصار دولت هستند.

---

<sup>۱</sup> - Democracy

<sup>۲</sup> - Authoritarianism